

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع)

سیدسجاد علم‌الهدی*

چکیده

رفتار اقتصادی امام علی (ع) در میان تمامی رهبران و پیشوایان دینی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. گفتار، رفتار و سیاست‌های امام علی (ع) در حوزه اقتصاد و معیشت، از ابعاد مهم رویکرد حکومتی و اجتماعی ایشان است. همچنانکه سیره و رفتار شخصی ایشان به تنهایی حاوی دنیائی از نکات قابل توجه و بررسی است. در متون تاریخی و روائی، هزاران گزاره در این باب وجود دارد که مراجعه به همه آن‌ها برای کشف و تحلیل سیره اقتصادی ایشان ممکن به نظر نمی‌رسد. در این میان، حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه بویژه عهد مالک اشتر می‌تواند محور اساسی و مستند قوی برای دریافت رویکرد امام به اقتصاد باشد. با بررسی حکومت امام علی (ع) به عنوان مصداقی کامل از حکومت اسلامی، می‌توان زوایای عملی و اجرائی احکام اسلامی و نیز وظایف مهم اقتصادی یک حکومت را شناسایی کرد. علاوه بر آنکه با بهره‌گیری از سیره اقتصادی ایشان، می‌توان رفتار اقتصادی یک مسلمان را استخراج نمود.

کلیدواژه‌ها: سیره اقتصادی امام علی (ع)، روش زندگی شخصی، روش حکومت‌داری، سیاست اقتصادی.

۱. مقدمه

پیش از آن‌که امام علی(ع) زمام امور را به دست گیرد، تحولات اقتصادی عظیمی به تدریج در جامعه و حکومت روی داد و مناسبات متعادل اقتصادی عصر پیامبر(ص) به شدت دگرگون شد. این تحول در دوران خلیفه سوم به صورت چپاول اقتصادی و مسکنت مالی، جامعه را به بحران کشاند. ثروت‌ها و دارایی‌های عمومی در اختیار یک طبقه خاص قرار گرفت؛ به طوری که جامعه به شدت گرفتار انبوه‌داری و فزون‌خواهی از یک‌سو و نیازمندی و ناداری از دیگر سو شده بود. با نگاه مالک‌مدارانه زمامداران به مردمان و به اموال و دارایی‌ها، هرگونه خود می‌خواستند با مردمان و اموال و امانت‌ها، رفتار کنند. در چنین شرایطی امام علی(ع) به حکومت رسید. یکی از اقدامات حضرت برای ساماندهی اوضاع این بود که اموالی از بیت‌المال که در دوران عثمان در میان خلیفه و نزدیکانش تقسیم شده بود به خزانه برگرداند. امام علی(ع) در خطبه شقشقیه در معرفی عثمان می‌گوید: «... تا سومین به مقصود رسید و همچون چارپا بتاخت، و خود را در کشتزار مسلمانان انداخت، و پیای دوپهلو را آکنده کرد و تهی ساخت. خویشاوندانش با او ایستادند، و بیت‌المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر که مهار بُرد، و گیاه بهاران چرد...» [نهج‌البلاغه، خطبه ۳]

بررسی دوره حکومت امام علی(ع) به دلیل اینکه بعد از رسول خدا(ص) تنها امام شیعیان است که مدتی هرچند کوتاه خلیفه و حاکم مسلمین بوده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بررسی گاهی با استناد به اعتقاد شیعیان به عصمت امامان معصوم و اینکه ایشان مرتکب خطا نمی‌شوند صورت می‌پذیرد، پس می‌تواند روش زندگی و حکومت‌داری امام، به عنوان مستند فقهی و حجت شرعی در نظر گرفته شود. گاهی نیز فارغ از بحث عصمت، امام علی(ع) به عنوان یک زمامدار و حاکم مسلمان که همه مسلمانان در طول تاریخ بر عدالت و پارسائی او متفق القولند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این نگاه، ایشان در دوران حکومت کوتاه خود، با استفاده از شواهد و قرائن، احکامی صادر نموده و در امور دنیوی همانند دیگران تصمیم‌هایی اتخاذ کرده اند که می‌تواند به عنوان یک الگو و نمونه عملی مقبول، مورد تبعیت واقع شود. با توجه به شرایط آشفته جامعه مسلمانان پس از کشته شدن خلیفه سوم و جنگ‌ها و مشکلاتی که وجود داشته، حکومت ایشان، از نظر رعایت دقیق اصول و ضوابط اسلامی، حکومت موفق بوده است و می‌تواند روش‌های حکومتی امام علی(ع) را برای نیل به موفقیت در حکومت‌داری مورد استناد قرار گیرد.

در این مقاله تلاش شده تا دیدگاه دوم مورد توجه قرار گیرد و حکومت علی (ع) به عنوان یک حکومت موفق در تاریخ بررسی گردد. بیان دیدگاه‌ها، نظرات و رفتارهای شخصی و حکومتی ایشان می‌تواند راهنما و راه‌گشای مردم به‌خصوص کسانی که بر جایگاه‌های حکومتی کشور تکیه زده‌اند، باشد. توزیع عادلانه، رعایت قوانین و مقررات و مردم‌داری از ویژگی‌های بارز حکومت امام علی (ع) است که سبب شده تا از آن به عنوان حکومتی موفق نام بریم.

فرضیه اصلی این تحقیق بر این نکته تأکید دارد که می‌توان از منظومه فکری و رفتاری امام علی (ع) در حوزه اقتصاد و معیشت به عنوان یک مدل اقتصادی، الگوی موفق برای اقتصاد اسلامی استخراج نمود.

روش تحقیق در این مقاله تحلیلی، توصیفی می‌باشد و با توجه به اینکه نهج البلاغه از معتبرترین متون اسلامی می‌باشد، در این مقاله منبع اصلی مورد استناد قرار گرفته است.

۲. رفتارشناسی اقتصادی امام علی (ع)

رفتار اقتصادی امام علی (ع) از دو جنبه فردی و اجتماعی (یا حکومتی) قابل بررسی است. این بررسی، مبتنی بر شناسائی شاخصه‌های اساسی اقتصادی در زندگی ایشان است. این شاخصه‌ها را می‌توان از بررسی و مطالعه متون مستند موجود بویژه نهج البلاغه استخراج نمود.

۱.۲ رفتار اقتصادی فردی

۱-۱) منبع درآمد: یکی از بهترین شاخصه‌های که می‌تواند مبین رفتار اقتصادی فردی باشد منبع درآمد و ارتزاق است. کمیت و مهمتر از آن کیفیت منبع درآمدی تاحدی نشان دهنده درجه سلامت رفتار اقتصادی فردی است. براساس آنچه از متون دینی و مستندات تاریخی پیرامون منابع درآمدی امام علی (ع) بدست آمده است، مهم‌ترین منبع درآمدی ایشان از کار شخصی تأمین می‌شده است. البته منابع درآمدی دیگری نیز برای ایشان نقل شده که ذیلاً به شش مورد آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱) تولید: امام علی (ع) گرچه در سنت گفتاری خود همه فعالیت‌های مفید اقتصادی اعم از صنعت، تجارت، خدمات و کشاورزی را مورد تشویق قرار داد، اما شخصاً کشاورزی را

برگزید. در تحلیل این انتخاب اولاً باید به شرایط محیطی و اقتصادی مدینه توجه نمود. بر خلاف شرایط مکه که با تجارت و دامپروری سازگاری بیشتری داشت و به همین دلیل مردم آنجا بیشتر در این دو رشته به فعالیت می‌پرداختند، مدینه به دلیل داشتن خاک حاصل‌خیز و آب‌وهوای مساعد، با زراعت بیشتر مناسبت داشت. به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) پس از مهاجرت به مدینه به قریشیان توصیه کرد که از دامپروری که حرفه مورد علاقه ایشان بود دست بردارند و به کشاورزی روی آورند. ثانیاً؛ نقش زیر بنایی کشاورزی در توسعه اقتصادی است. درست است که توسعه اقتصادی، با پیشرفت‌های فنی در بخش صنعت تحقق می‌یابد، اما تا زمانی که نیازهای ضروری و ابتدایی انسان تأمین نشود، مازاد درآمدی برای سرمایه‌گذاری و مازاد نیروی کاری برای اشتغال در بخش صنعت، به وجود نخواهد آمد و بدون این‌ها توسعه امکان‌پذیر نخواهد بود. ثالثاً، سازگاری آن با قاعده رفتاری آن حضرت است. تردیدی در این وجود ندارد که فعالیت کشاورزی علیرغم فایده بسیار زیاد اجتماعی آن، به ویژه فراهم نمودن نیازهای حیاتی قشرهای کم درآمد، از نظر اقتصادی دارای سودآوری کمتر و از نظر اعتبارات اجتماعی و عرفی دارای منزلت کمتری است. و به همین دلیل کاری پر زحمت و کم سود ولی در عین حال پر خیر و برکت به حساب می‌آید. از این رو انتخاب چنین فعالیتی برای آن حضرت کاملاً بر طبق قاعده است. زیرا او همواره از میان دو کاری که هر دو مورد رضایت پرورگارند کاری را انتخاب می‌نمود که تحمل زحمات آن دشوارتر بود. عمده فعالیت‌های اقتصادی امام (ع) در دوره خلفا در منطقه ینبع^۱ به وقوع پیوسته است. ینبع نام منطقه‌ای است در ۱۶۵ کیلومتری غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و آن را به دلیل چشمه‌های فراوانش به این نام نامیده‌اند. برخی تعداد چشمه‌های آن را تا یکصد و هفتاد عدد ذکر نموده‌اند. از برخی شواهد تاریخی برمی‌آید که نام ینبع را امام بر این منطقه نهاده است. [ابن شبه، ج ۱، ص ۲۱۹]

همچنین از اشاره‌هایی که در وقف نامه‌ها و گزارش‌های معطوف به فعالیت‌های اقتصادی امام علی (ع) وجود دارد چنین به دست می‌آید که آن حضرت علاوه بر ینبع در نواحی متعدد دیگری از مدینه فعالیت‌های عمرانی مانند حفر چاه‌ها واحداث مزارع و نخلستان‌ها داشته‌اند. در وقف نامه‌ای که حضرت به دست مبارک خود نگاشته‌اند به اموالی در وادی القری، وادی ترعه و وادی اذنیه اشاره شده است. زمین‌های دیگری در نواحی مختلف سرزمین حجاز نیز وجود داشته که امام در آن‌ها به فعالیت می‌پرداخته‌اند که پس از شهادت به فرزندانشان رسیده یا جزء موقوفات ایشان است^۲ [همان، ص ۲۲۵].

۲) **هدایا:** پس از هجرت به مدینه پیامبر (ص) با علی (ع) عقد اخوت بست و به این ترتیب زندگی آن دو بزرگوار بیش از پیش به هم گره خورد. یکی از راه‌های تأمین معاش امام علی (ع)، هدایایی بود که مردم مدینه به پیامبر (ص) تقدیم می‌کردند. چنان‌که گاهی امام علی (ع)، نیز متقابلاً آن حضرت را از درآمدهای خود بهره‌مند می‌ساخت [السهمودی، ج ۱، جزء ۱، ص ۲۶۶-۲۶۸]

۳) **فئی و خمس:** خمس عبارت از یک حق مالی است که باید از موارد معینی مانند غنایم جنگی و معادن و... اخراج شود و فئی عبارت است از اموالی که بدون جنگ و لشکر کشی از کفار به غنیمت گرفته می‌شود. بنا به حکم صریح قرآن کریم یکی از موارد مصرف خمس و فئی خویشاوندان پیامبر اکرم (ص) هستند. [انفال: آیه ۴۱ و حشر: ۷] بر همین اساس رسول خدا (ص) پس از جمع‌آوری غنائم، ابتدا خمس را از آن اخراج می‌نمود و سهمی از آن را به نزدیکان خود از بنی‌هاشم و بنی عبدالمطلب می‌داد. چنانکه در غزوه بدر رسول خدا (ص)، یک شتر از بابت خمس به علی (ع) داد [البخاری، ج ۳، ص ۱۱۲۵]. پیامبر اکرم (ص) غنایم بنی‌النضیر را که بدون جنگ به تصرف درآمده بود بین مهاجران اولیه و ۲ تن از انصار تقسیم نمود و این تقسیم شامل امام (ع) نیز گردید. یکی از موارد عمده تقسیم فئی که به گونه‌ای به امام (ع) نیز مربوط می‌شود، اعطای زمین‌های فدک توسط رسول خدا (ص) به فاطمه علیها السلام است. این زمینها پس از جنگ خیبر، بدون جنگ به تصرف پیامبر اکرم (ص) درآمد و از موارد فئی و ملک خاص آن حضرت به‌شمار می‌آمد. چنان‌که در روایات اهل سنت نیز نقل شده است: وقتی که آیه «وآت ذالقربی حقه» نازل گردید، رسول خدا (ص) فاطمه را خواست و فدک را به او اعطا فرمود [السیوطی، ج ۵، ص ۲۷۳]. افزون بر این، رسول خدا (ص) چند مورد از اموال خاص خود را بر فاطمه علیها السلام وقف نمود. مرحوم کلینی اسامی این موارد را که ۷ باغ در اطراف مدینه بوده‌اند به این شرح ذکر نموده است. «الدلال، و العواف والحسنی و الصافیة و المأم ابراهیم و المیشب و البرقة». [کلینی، ص ۴۸، حدیث ۵ و مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۳۵]

۴) **غنایم جنگی:** یکی از موارد عمده این درآمدها، غنایم جنگی بود. پیامبر اکرم (ص) معمولاً غنایم جنگی را پس از کسر هزینه‌های جانبی و اخراج خمس، بین مجاهدان فاتح تقسیم می‌نمود. امام علی (ع) در تمام غزوات عصر پیامبر (ص) -به‌جز جنگ تبوک که جانشین پیامبر (ص) در مدینه بود و نتوانست در جهاد شرکت کند- حضور داشت. بنابراین از سال دوم هجری به بعد یکی از منابع درآمدی امام علی (ع)، سهم ایشان از غنایم جنگی

بوده است. مقدار درآمدی که از این ناحیه به دست می‌آمد گرچه ناچیز بود اما با توجه به فقر شدید حاکم بر آن زمان بسیار تعیین کننده بوده است. اما در زمان حکومت امام علی (ع) از ناحیه غنایم جنگی تقریباً درآمدی وجود نداشت. زیرا تمامی جنگ‌های آن حضرت جنگ‌های داخلی بود که بین دو طایفه از مسلمانان در می‌گرفت، و براساس حکم صریح امام، اسارت گرفتن نفرات و به غنیمت گرفتن اموال پشت جبهه دشمن در این جنگ‌ها جایز نبود. لذا می‌توان گفت از ناحیه سهم غنایم جنگی در این دوره درآمدی نصیب امام نگردید.

۵) سهم سرانه از بیت المال: در زمان خلافت ابوبکر سهم امام از خمس و فیه دیگر پرداخت نشد، اما سهم امام از بیت‌المال به اندازه دیگران پرداخت می‌شد. پس از به حکومت رسیدن امام علی (ع)، ایشان نیز در تقسیم بیت‌المال ترجیح و تفضلی میان آحاد مردم قائل نبود و درآمد بیت‌المال را به‌طور مساوی میان آنها تقسیم می‌نمود. سهمی که امام از این ناحیه برای خود در نظر گرفته بود همانند سهم بقیه مردم بود و در بیشتر اوقات به نفع نیازمندان از آن صرف نظر می‌نمود. در زمان خلیفه دوم وقتی که مسئله چگونگی تعیین حقوق خلیفه از خزانه عمومی مطرح گردید و عمر در این باره با اصحاب پیامبر (ص) مشورت نمود، امام علی (ع) به جواز ارتزاق خلیفه و عائله او در حد متعارف از بیت‌المال حکم نمود و این حکم با اجماع اصحاب پذیرفته شد. و عمر نیز بر همین اساس عمل نمود. اما عثمان هر گونه بذل و بخشش و تصرف در بیت‌المال را برای خود جایز می‌شمرد و اموال عظیمی از بیت‌المال مسلمانان را به خود اختصاص داده بود. امام علی (ع) پس از تصدی خلافت، برای اصلاح انحرافات دوره عثمان هر گونه ارتزاق از بیت‌المال را بر خود منع نموده و در میان مردم اعلام کرد: «أنی والله لا ازراکم من فیئکم درهماً ما قام عنذک بئرب... به خدا قسم من از بیت‌المال شما درهمی برای خود برنخواهم گرفت مادامیکه یک درخت خرما در مدینه داشته باشم» [ابن شعبه، ج ۲، ص ۱۵۱]. امام (ع) این مطلب را به اهل کوفه نیز اعلام کرده و فرمود: «یا اهل الکوفه! اذا انا خرجت من عندکم بغیر رحلی و راحلتی و غلامی فأنا خائن... ای مردم کوفه! اگر من با چیزی به جز زیراندازم و مرکب و خدمتکارم از میان شما خارج شدم، پس خیانتکار خواهم بود». [ابی هلال الثقفی، ج ۱، ص ۶۸]

۶) درآمد ناشی از اقطاع: در نظام مالی اسلام ثروت‌های طبیعی مانند زمین‌های موات و معادن، تحت مالکیت دولت اسلامی است. یکی از شیوه‌های مدیریت این ثروت‌ها در صدر

اسلام اقطاع (واگذاری به بخش خصوصی) بوده است. رسول خدا (ص) در موارد متعددی که در کتب تاریخ و سیره به تفصیل ذکر شده است زمین‌ها و یا معادنی را به برخی از اصحاب خود اقطاع نموده‌اند. از جمله این موارد، اقطاع چند زمین به امام علی (ع) است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «پیامبر اکرم (ص) ۴ قطعه زمین به امام علی (ع) اقطاع فرمود؛ دو زمین به نام فقیرین، و بثرقیس و الشجره. در برخی روایات نیز به اقطاع زمینی در منطقه «ینبع» توسط رسول خدا (ص) به امام علی (ع) اشاره شده است. [السهمودی، ج ۲، ص ۱۳۳۴]

۲.۲ رفتار مصرفی

امام علی (ع) ادامه دهنده و پاسدار سیره پیامبر بود و در ساده‌زیستی نیز از آن حضرت پیروی می‌کرد. امیرمؤمنان (ع) در خطبه‌ای که ساده‌زیستی پیامبر را توصیف می‌کند، بلافاصله سیره ساده‌زیستی خود را بیان می‌کند تا کسی گمان نکند که آن حضرت مشی دیگری را، جز آنچه پیامبر داشته، دنبال می‌کرده است و آنچه را که نیک می‌داند و مدح می‌کند، عمل نمی‌کند؛ از این رو در پایان سخن خویش می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَقَدْ رَفَعْتُ مِذْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا. وَ لَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ أَلَا تَتَّبِدُهَا؟ فَقُلْتُ: اغْرُبْ عَنِّي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يُحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى.» [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰] یعنی "به خدا سوگند که این جامه پشمین خود را آن قدر وصله کردم که از وصله‌کننده آن شرم دارم. کسی به من گفت: "آن را دور نمی‌افکنی؟" گفتم: "از من دور شو! صبحگاهان رهروان شب ستایش می‌شوند."

امیرمؤمنان (ع) بر خود بسیار سخت می‌گرفت و خود را مراقبت می‌کرد. وی در نامه ۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «من آفریده نشدم که خوردن خوراکی‌های پاکیزه مرا به خود، مشغول دارد، همچون حیوان پرواری که تمام همش، علف است، و یا همچون حیوان رها شده‌ای که شغلش چریدن و خوردن و پر کردن شکم می‌باشد. و از سرنوشتی که در انتظار اوست بی‌خبر است، آیا بیهوده یا مهمل و عبث آفریده شده‌ام؟» [نهج‌البلاغه، نامه ۶] یعنی در نگاه امام تنها هدفی که دارای ارزش ذاتی و اصیل است و همه اهداف میانی باید در مسیر رسیدن به آن اتخاذ شوند، جلب رضایت و خشنودی خداوند است. رضایت خداوند انگیزه نیرومندی است که علی (ع) را در شدت گرمای روز به تلاش اقتصادی وا می‌دارد، در حالیکه شخصاً هیچ نیازی به محصول آن ندارد.

امام صادق (ع) از حضرت باقر (ع) چنین روایت کرده است: علی (ع) در کوفه به مردم نان و گوشت می‌خوراند و خود طعامی جداگانه داشت؛ بعضی گفتند: کاش می‌دیدیم که خوراک امیرمؤمنان چیست؟ پس عده‌ای به طور سرزده به حضور امام رسیدند، غذای او چنین بود: تریدی از نان خشکیده خیسیده به روغن که با خرما فشرده آمیخته شده بود؛ و آن خرما را از مدینه برای وی می‌آوردند.

زندگی امام علی (ع) به این‌گونه بود و خوراک و پوشاکش چون ضعیف‌ترین مردم بود و هرگز از این سیره نیکو دست برنداشت. ” [دلشاد تهرانی، 1383، ص ۳۰۵]

امام باقر (ع) در توصیف ساده‌زیستی امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: به خدا سوگند که علی (ع) همچون بنده خوراک می‌خورد و همچون بنده می‌نشست؛ و اگر دو پیراهن می‌خرید، پیراهن بهتر را به غلام خود می‌داد، و خود آن دیگری را بر تن می‌کرد، و اگر پیراهن از انگشتان دست یا قوزک پایش در می‌گذشت، آن را می‌برید... و اگر می‌خواست به مردم غذا بدهد، نان و گوشت به آنان می‌خوراند، و به خانه خود می‌رفت و نان جوین را با روغن زیتون و سرکه تناول می‌کرد. [همان]

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: علی (ع) هزار برده را از مال خود که نتیجه دسترنج و عرق پیشانی‌اش بود، به خاطر خدای بزرگ [و خشنودی او] و رستن از آتش دوزخ، آزاد کرد؛ و خوراکش جز سرکه و روغن زیتون نبود، و شیرینی او فقط همان خرما بود، آن‌هم اگر می‌یافت؛ و جامه‌اش کرباس بود، و هرگاه چیزی از آن جامه زیاد می‌آمد قیچی می‌خواست و آن را قیچی می‌کرد. [همان: ۳۰۷]

امیرمؤمنان (ع) لباسی از جنس کرباس به تن می‌کرد که در واقع لباسی از چلوار خشن بود و به ساده‌ترین خوراک بسنده می‌کرد و ساده‌ترین شکل را در رفت و آمد و نشست و برخاست و زمامداری پاس می‌داشت. پنج سال حکومت کرد که نه خانه‌ای برای خود به پا کرد؛ و نه چیزی از دنیا اندوخت. از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: علی (ع) مدّت پنج سال زمامداری کرد که در آن آجری بر آجری یا خشتی بر خشتی ننهاد، و تیولی به خود اختصاص نداد، و سرخ و سفیدی (زر و سیمی) به میراث برجای نگذاشت. [همان: ۳۰۸]

امیرمؤمنان (ع) در مقام زمامدار، به مردم خویش چنین فرمود: با این جامه‌ها [ی مندرس] به سرزمین شما آمدم، و بار و بنه‌ام همین است که می‌بینید، اکنون اگر از سرزمین شما با چیزی جز آنچه با آن آمده‌ام بیرون روم، از خیانتکاران خواهم بود. [همان: ۳۱۰]

آن حضرت با وجود مشغله فراوان در دوران زمامداری‌اش، خود مایحتاج زندگی خانواده‌اش را تهیه می‌کرد و به دست خود آن‌را حمل می‌کرد. «ابن شهر آشوب» چنین نقل می‌کند: علی(ع) در کوفه مقداری خرما خرید و آن را در گوشه بالاپوش خود حمل کرد. برخی از مردم پیش آمدند تا آن را برای حضرت حمل کنند و گفتند: ای امیرمؤمنان، ما آن را برایتان حمل می‌کنیم. پس فرمود: عیالوار خود سزاوارتر به حمل بار خویش است. [همان: ۳۱۸]

در اسلام سفارش اکید به برآوردن نیازهای خانواده شده و احادیث گوناگونی در گشاده دستی برای اهل خانه از پیامبر اکرم(ص) و ائمه نقل شده است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «بخشنده باش نه با تبذیر، و اندازه نگهدار و بر خود سخت مگیر.» [فیض الاسلام، ۱۳۵۱: حکمت ۳۲، ص ۱۱۰۳] و هنگامی که یاران به سخت‌گیری امام بر خود اعتراض کردند، فرمود: خداوند بر پیشوایان حق، واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند، تا نداری فقر او را به ستوه نیآورد که سر از فرمان خداوند برتابد.^۴ رسیدگی به محرومین و بخشش به نیازمندان واقعی از ویژگی‌های زندگی علی(ع) است و همواره به امور افراد بی‌سرپرست و ناتوان رسیدگی، و به رسیدگی به این افراد سفارش می‌کردند. همان‌گونه که در قرآن کریم نیز آمده است: - و فی اموالهم حق للسائل و المحروم [الذاریات: ۱۹] البته علی(ع)، فقر را زائیده روابط و مناسبات ناعادلانه اجتماعی می‌داند و می‌فرماید: «پس فقری گرسنه نماند جز آن‌که توانگری از حق او خود را به نوایی رساند.» [نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۹]

۳.۲ انگیزه فعالیت اقتصادی

اهداف و انگیزه‌ها در شکل دادن به رفتار اقتصادی انسان مهمترین نقش را به عهده دارند. تصمیم به کار، تنظیم میزان ساعات کار و فراغت، انتخاب شغل، میزان تولید و نوع کالای تولیدی به طور مستقیم تحت تأثیر کار و تولید، تعیین می‌شوند. معیشت در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و در قرآن و روایات اهمیت زیادی به کسب و کار، به‌دست آوردن روزی حلال و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و هم‌چنین پرهیز از فقر و گوشه‌گیری داده شده است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «من آفریده نشدم که خوردن خوراکی‌های پاکیزه مرا به خود، مشغول دارد، همچون حیوان پرواری که تمام همش، علف است، و یا همچون حیوان رها شده‌ای که شغلش چریدن و خوردن و پر کردن شکم

می‌باشد. و از سرنوشتی که در انتظار اوست بی‌خبر است، آیا بیهوده و عبث آفریده شده‌ام؟» [نهج‌البلاغه، نامه ۴۶]

در نگاه امام تنها هدفی که دارای ارزش ذاتی و اصیل است و همه اهداف میانی باید در مسیر رسیدن به آن اتخاذ شوند، جلب رضایت و خشنودی خداوند است. رضایت خداوند انگیزه نیرومندی است که علی(ع) را در شدت گرمای روز به تلاش اقتصادی وا می‌دارد، در حالی که شخصاً هیچ نیازی به محصول آن ندارد.

ابن ابی الحدید درباره کار او می‌نویسد: امیرالمؤمنین علی (ع) برای درختان خرما از گروهی از یهودیان مدینه با دستان خود آب می‌کشید تا حدی که دستانش تاول می‌زد، و دستمزد خود را صدقه می‌داد و بر شکم خود (از گرسنگی) سنگ می‌بست». [ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۲۲]

رسول خدا (ص) یکی از صفات فرد با ایمان را کم‌هزینه بودن و پر کمک بودن او دانسته‌اند. امام نیز در خطبه متقین در نهج‌البلاغه درباره صفات متقین، تعبیر مشابهی به کار برده‌اند «نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحة» [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳]. امام علی(ع) مظهر چنین صفتی است، او در حالی که با کار و تلاش طاقت فرسا، محصول فراوانی تولید می‌نمود برای خود، سهم چندانی از این محصول قائل نبود و تقریباً همه آن را انفاق می‌نمود.

ایجاد اشتغال از دیگر انگیزه‌های فعالیت اقتصادی امام علی(ع) بود. امام صادق(ع) می‌فرماید: «با دست خویش بیل می‌زد و زمین را آباد می‌کرد و هر زمین که آباد می‌نمود عده‌ای را به کار می‌گرفت و آنگاه زمین دیگر و...» [الکلینی، ج ۵، ص ۷۴] ثمره این تلاش‌ها در اواخر عمر حضرت، چنانکه از وصیت‌نامه ایشان برمی‌آید، اشتغال ده‌ها و بلکه صدها نفر در آن مزارع و کشتزارها بود [الکلینی، ج ۷، ص ۴۹].

۳. رفتار اقتصادی دولت اسلامی

۱.۳ وظایف فردی دولتمردان در اقتصاد اسلامی

امیرمؤمنان درباره مسئولیت زمامداران فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَمَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَمَلْبَسِي كَضَعْفَاءِ النَّاسِ، كَيْ يَتَّقِدِيَ الْفَقِيرُ بِفَقْرِي، وَلَا يَطْعَنِي الْغَنِيُّ بِغِنَاةٍ.» [نهج‌البلاغه، نامه ۴۵] یعنی همانا خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده

و بر من واجب کرده است که درباره خودم (زندگی شخصی و رفتارم) و خوراک و پوشاک مانند مردمان ناتوان عمل کنم، تا این که فقیر به سیره فقیرانه من تأسی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند. همچنین روایت کرده‌اند که امام علی (ع) فرمود: «عَلَى أُمَّةٍ الْحَقُّ أَنْ يَتَأَسُّوا بِأَضْعَفِ رِعْيَتِهِمْ حَالًا فِي الْأَكْلِ وَاللَّبَاسِ وَ لَوْ لَا يَتَمَيِّزُونَ عَلَيْهِمْ بَشِيءٌ لَوْ لَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ لِيرَأَاهُمْ الْفَقِيرُ فَيَرْضَى عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا هُوَ فِيهِ وَيَرَأَاهُمْ الْغَنِيُّ فَيَزِدُّهُ شُكْرًا وَ تَوَاضُعًا.» [ری شهری، ج ۱، ص ۱۲۳] یعنی بر پیشوایان حق [واجب] است که از نظر خوراک و پوشاک به حال ناتوان‌ترین رعیتشان تأسی کنند، به طوری که در چیزی که آنان قدرتشان را ندارند، امتیازی بر ایشان نداشته باشند، تا فقیر آنان را مشاهده کند و از خداوند به خاطر آن چه دارد راضی و خشنود باشد و ثروتمند آنان را مشاهده کند و شکورتر و متواضع‌تر گردد.

ساده‌زیستی رهبران و زمامداران دو نتیجه و پیامد مثبت دارد و عدم رعایت آن، دو خطر بزرگ در پی دارد: در حالت نخست، فقیر با نگاه کردن به زندگی رهبران و زمامداران و تأمل در اوضاع و احوال و راه و رسم ساده آنان، می‌تواند زندگی آمیخته به فقر خویش را به راحتی تحمل کند و احساس تبعیض و ستم نکند تا زمانی که فقر از همه جامعه زدوده شود؛ و در این صورت ثروتمندان جامعه گستاخ نمی‌شوند و طغیان نمی‌کنند. و طبیعی است که در صورت دوم یعنی در جامعه‌ای که حاکم اسلامی و زمامداران کاخ‌نشین باشند و از راه و رسم ساده‌زیستی بیرون شوند، تبعیض و ستم بیداد خواهد کرد و انسان‌های فقیر و مستضعف تحملشان طاق می‌شود و دیگر نمی‌توانند صبر کنند؛ و همچنین ثروتمندان گستاخ می‌شوند و طغیان می‌کنند و دست به چپاول می‌زنند. پس رهبران و زمامداران خردمند هرگز از سیره ساده‌زیستی بیرون نمی‌شوند و اجازه نمی‌دهند کارگزارانشان به سوی تبعیض و اشرافیت میل کنند.

امیرمؤمنان (ع) چنان درباره رعایت این اصل از جانب کارگزاران خود حساس بود که وقتی به آن حضرت گزارش رسید که کارگزار او در بصره یعنی «عثمان بن حنیف» به مهمانی یکی از ثروتمندان بصره رفته است که در آن مهمانی، غذاهای رنگارنگ تدارک شده و جای فقرا خالی بوده است، او را سخت سرزنش کرد و بدو چنین نوشت: اما بعد، ای پسر حنیف! به من گزارش داده‌اند که مردی از جوانان بصره تو را به خوان میهمانی‌اش دعوت کرده است و تو بدانجا شتافته‌ای. خوردنی‌های نیکو برایت آورده‌اند و پی‌درپی کاسه‌ها پیشت نهاده‌اند. گمان نمی‌کردم تو میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان به جفا

رانده شده و بی‌نیازشان دعوت شده. به آنچه می‌خوری بنگر [آیا حلال است یا حرام؟] آن‌گاه آنچه حلال بودنش برای تو مشتبه بود از دهان بینداز و آنچه را یقین به پاکیزگی و حلال بودنش داری تناول کن. آگاه باش که هر پیروی پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند، و از نور دانش او روشنی جوید. بدان که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو گرده نان بسنده کرده است. بدانید که شما چنین نتوانید کرد، لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن. به خدا سوگند من از دنیای شما زر و سیمی نیندوخته‌ام و از غنیمت‌ها و ثروت‌های آن مالی ذخیره نکرده‌ام، و برای این جامه فرسوده‌ام بدلی مهیا نساخته‌ام، و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته‌ام، و از این دنیا بیش از خوراکی مختصر و ناچیز برنگرفته‌ام. این دنیا در چشم من بی‌ارزش‌تر و خوارتر از دانه‌ای تلخ است که بر شاخه درخت بلوطی بروید. آری، از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده تنها فدک در دست ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیدند و مردمی سخاوتمندانه از آن دیده پوشیدند. و بهترین داور پروردگار است، و مرا با فدک و جز فدک چه کار است؟ در حالی که جایگاه فردای آدمی گور است که در تاریکی آن نشانه‌هایش ناپدید و اخبارش نهان می‌گردد، در گودالی که اگر گشادگی آن بیفزاید، و دست‌های گورکن فراخش کند، سنگ و کلوخ آن را بیفشارد، و خاک انباشته رخنه‌هایش را به هم آرد. من نفس خود را با پرهیزگاری می‌پرورانم [و رام می‌سازم] تا در روزی که پر بیم‌ترین روزهاست در امان وارد شود و در آن‌جا که همه می‌لغزند پایدار ماند. اگر می‌خواستم می‌توانستم از عسل خالص و مغز گندم، و بافته ابریشم برای خود خوراک و پوشاک تهیه کنم. اما هرگز هوا و هوس بر من چیره نخواهد شد و حرص و طمع مرا به گزیدن خوراک‌ها نخواهد کشید. در حالی که ممکن است در سرزمین "حجاز" یا "یمامه" کسی باشد که حسرت گرده نانی برد، یا هرگز شکمی سیر نخورد، آیا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته، و جگرهایی سوخته؟ یا چنان باشم که آن شاعر گفته است: این درد تو را بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشد. آیا بدین بسنده کنم که مرا امیرمؤمنان گویند و در ناخوشایندی‌های روزگار شریک آنان نباشم؟ یا در سختی‌های زندگی برایشان نمونه نباشم؟ مرا نیافریده‌اند تا خوردنی‌های گوارا سرگرم سازد، چون چارپای بسته که به علف پردازد؛ یا همچون حیوان رها شده‌ای که کارش چریدن و خوردن و پر کردن شکم است، و از سرنوشتی که در انتظار اوست بی‌خبر است؛ آیا بی‌بهدوده یا مهمل و عبث آفریده شده‌ام؟ آیا باید سررشته‌دار ریسمان گمراهی باشم؟ و یا

در راه سرگردانی رهسپار گردم؟ و چنان می‌بینم که گوینده‌ای از شما گوید: اگر این خوراک پسر ابوطالب است باید هم‌اکنون نیرویش به سستی گراییده باشد و از مبارزه با همتایان و نبرد با شجاعان بازماند. بدانید درختی که در بیابان خشک روید چوبش محکم‌تر است، و سبزه‌های خوشنما پوستش نازک‌تر؛ و رستنی‌های صحرایی را آتش افروخته‌تر است، و خاموشی آن دیرتر. پس ای پسر حُنیف! از خدا بترس و به همان گرده‌های نانت بسنده کن تا رهایی تو از آتش دوزخ امکان‌پذیر باشد. [نهج‌البلاغه، نامه ۴۵]

در سیره پیشوایان حق، ساده‌زیستی به عنوان ارزشی گرانبه‌تر مطرح است، تا جایی که امیرمؤمنان علی (ع) قناعت را بالاترین دارایی انسانی، بلکه حیات پاکیزه و نیکو معرفی کرده و فرموده است: «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا» [نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۹] یعنی ملک قناعت و نعمت حسن خلق برای انسان کافی است.

در یک جمع بندی می‌توان دیدگاه پیشوایان دینی را در مورد رفتار مصرفی دولتمردان و مردم در سه محور ذیل خلاصه نمود:

۱- در دیدگاه پیشوایان معصوم (ع)، ساده‌زیستی، قناعت، کم‌هزینه و پرکار بودن در نظام اسلامی ارزشی گرانسنگ است و ایشان همواره از آن به عنوان ارزشی والا یاد کرده‌اند و کسانی را که ساده‌زیست، قانع، کم‌هزینه و پرکار بوده‌اند، به بزرگی یاد کرده و ستوده‌اند.

۲- امام (ع) چه در جایگاه فردی و چه در جایگاه حکومتی، رسیدگی به محرومین و بخشش به نیازمندان واقعی را بر خود مقدم می‌دارد و همواره ایشان و حتی خدمتگزاران خود را در خوراک و پوشاک بهتر، سزاوارتر از خود می‌دانست. آنان که خوی الهی پیدا کردند، این‌گونه شدند که روابط الهی - انسانی چنین است و بندگان محبوب خدا، آنانند که بیش‌ترین سود را برای مردم و خلق خدا داشته باشند.

۳- رسیدگی به امور خانواده در دیدگاه امام از اهمیت فراوانی برخوردار است و امام انفاق و صدقه بر خانواده را بر هر بخششی سزاوارتر دانسته‌اند.

۴- هرچند سفارش به ساده‌زیستی در بیان امام (ع) بارز است، اما این توصیه برای مردم عادی جنبه اخلاقی دارد، و برای حاکمین و والیان یک دستور است و آنها را بدین امر فرمان می‌دهند که مانند ضعیف‌ترین مردم زندگی کنند.

امیرمؤمنان علی (ع) در ضرورت ساده‌زیستی آنان که در مرتبه رهبری و اداره مردمان قرار دارند، و همواره بر ساده‌زیستی رهبران، زمامداران و کارگزاران تأکید می‌فرماید و به کسانی که الگوی مردم شمرده می‌شوند، فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أُثْمَةَ الْعَدْلِ

أَنْ يُقَدَّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ.^{۳۴} [نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹] یعنی خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی، تنگدست را پریشان و نگران نسازد.

۲.۳ وظایف اجتماعی دولت در اقتصاد اسلامی

امیرمؤمنان علی (ع) در ابتدای عهد مالک اشتر وظایف کلان حکومت را مشخص نموده و وی را نسبت به آن توجیه نموده است. این وظایف و مأموریت‌های کلان در چهار حوزه تعریف شده است:

الف. حوزه امور مالی (جَبَايَةَ خَرَاجِهَا)

ب. حوزه نظامی (جِهَادَ عَدُوِّهَا)

ج. حوزه اجتماعی - سیاسی (اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا)

د. حوزه امور عمرانی (عِمَارَةَ بِلَادِهَا)

در دیدگاه امام کسی که در جایگاه اداره امور قرار می‌گیرد لازم است وظایف و مأموریت‌های اصلی خود را بشناسد و اهتمام خویش را بدانها معطوف کند و از پرداختن به امور بی‌ربط به حوزه وظایف و مأموریت‌هایش پرهیز نماید. امام علی (ع) فرموده است: «يَسْتَدِلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأُصُولِ، وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ، وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ، وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ.» [دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۷۶]

چهار چیز نشانه به‌سر آمدن دولت‌هاست: فرو گذاشتن اصول، و چسبیدن به فروع، مقدم داشتن فرومایگان، و عقب زدن مردمان بافضیلت و لایق.

امیرمؤمنان علی (ع) در اداره امور گذشته از آن‌که وظایف و مأموریت‌های اصلی را مشخص می‌نمود و از کارگزاران خود می‌خواست که آن‌ها را به‌درستی پیگیری و اجرا نمایند، بر این امر دقت می‌ورزید که آنان مشغول امور فرعی و بی‌ارتباط به وظایف و مأموریت‌هایشان نشوند.

بطور کلی امام تأمین چهار اصل برای یک حکومت را اصلی‌ترین وظیفه یک حکومت می‌داند: عدالت و امنیت و رفاهت و تربیت مردمان. و از نظر ایشان کوتاهی حکومت اسلامی در هر یک از این موارد قابل گذشت نیست.

۳.۳ منابع درآمدی دولت در اقتصاد اسلامی

۱.۳.۳ مالیات

اولین منبع اصلی درآمد دولت در اقتصاد اسلامی مالیات است. از اساسی‌ترین کارها در سامان یافتن حکومت، توجه درست به مالیات و برنامه‌ریزی مالیاتی است که مهم‌ترین پشتوانه و کارسازترین وسیله برای پیشبرد اهداف اقتصادی - اجتماعی و تحقق عدالت اقتصادی است. از این رو علی (ع) به توجه بدان و برنامه‌ریزی برای آن تأکید کرده است. از نظر امام (ع) تکیه‌گاه اصلی مالی حکومت، مالیات است، که در صورت برنامه‌ریزی صحیح و رونق اقتصادی، وضع همگان بسامان خواهد بود. بنابراین جامعه به‌طور عمده باید با مالیات اداره شود البته در صورت برخورداری از یک نظام مالیاتی توانا، پرتحرک، منعطف و متناسب.

نظام مالیاتی در اقتصاد اسلامی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات است که آن را از سائر نظام‌های مالیاتی متمایز میکند که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) مبتنی بر بررسی دقیق و برنامه‌ریزی: لزوم توجه به بررسی و برنامه‌ریزی مالیاتی را می‌توان فرازی از فرمان امیرالمؤمنین به مالک اشتر برداشت نمود: "تَفَقَّدْ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ؛ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یعنی در کار خراج بررسی کن و چنان بنگر که کار خراج‌گزاران را به سامان رساند، زیرا به سر و سامان رسیدن کار خراج و خراج‌گزاران، به سر و سامان رسیدن دیگران است، و کار دیگران به سر و سامان نمی‌رسد مگر به وسیله خراج‌گزاران؛ برای این‌که مردمان همگی روزی خوارانی هستند بار شده بر خراج و خراج‌گزاران."

ب) تناسب مالیاتی: نظام مالیاتی باید به گونه‌ای سامان یابد که قدرت مالی آن تابع قدرت مالی مالیات‌دهندگان باشد. نظام مالیاتی باید معطوف به سامان وضع خراج‌گزاران باشد، زیرا فارغ از آن، نظام مالیاتی و بسامانی اجتماعی بی‌معناست.

ج) هدف‌گیری بهبود وضعیت اقتصادی مردم: جهت‌گیری‌ای که امام علی (ع) برای یک نظام مالیاتی مطرح کرده این است که نظامی مبتنی بر بهره‌مند کردن مالیات‌دهندگان باشد تا از آن بهره‌مند شود، و بیش از آن‌که درصدد کسب مالیات باشد، در جهت بهبود اوضاع اقتصادی مالیات‌دهندگان عمل نماید. وی در مورد هدف از اخذ مالیات فرموده است: "وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَوْلَىٰ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا"

بِالْعِمَارَةِ؛ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ، وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ، وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا“ (همان)

و [بدان که] باید نگرش تو در آبادانی زمین رساتر از نگرش تو به گرفتن خراج باشد، زیرا خراج تنها با آبادانی است که به دست می‌آید؛ و هرکس که بی‌آباد ساختنی درخواست خراج کند، سرزمین‌های کشور را به ویرانی اندازد، و بندگان خدا را به نابودی کشاند، و جز اندکی کار او راست نیاید.

یعنی نظام مالیاتی صحیح در نگاه امیرمؤمنان علی (ع)، نظام مالیاتی بهره‌ور است، نه نظام مالیاتی بهره‌کش. در نظام مالیاتی بهره‌کش، دستگاه مالیاتی صرفاً به دنبال گردآوری مالیات و تأمین درآمد است، و از این‌رو فاقد پویایی و انعطاف و برنامه‌ریزی جامع است. چنین نظامی مالیاتی در پی درآمد است، بدون درآمدزایی؛ و حاصل چنین رویکردی، جز تباهی و ویرانی چیزی نیست.

(د) انعطاف: نظام مالیاتی منعطف که دستوری عمل نمی‌کند و کاملاً شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی را می‌سنجد و با توجه به آن برنامه‌ریزی می‌کند و در صورتی که شرایط اقتصادی نابسامان باشد، در دستورالعمل‌های مالیاتی، آن را لحاظ می‌کند، یک نظام مالیاتی بهره‌ور محسوب می‌شود. این انعطاف، تابع شرایط مالیات‌دهندگان است، تا آن‌جا که کار آنان به سامان رسد. از جمله خصوصیات نظام مالیاتی منعطف، امکان بخشودگی مالیاتی است. امکان بخشودگی‌های مالیاتی در یک نظام مالیاتی منعطف، نشانه خردمندی و عدالت‌ورزی حکومت است. از منظر مدیران نظام مالیاتی بهره‌ور، بخشودگی‌های مالیاتی زیان شمرده نمی‌شود، بلکه جزئی ناخواسته در برنامه‌های پیش‌بینی شده است؛ و از این‌رو کاملاً واقع‌بینانه با آن روبه‌رو می‌شوند و آن را زمینه اقدامات مثبت آینده قرار می‌دهند.

یکی از ویژگی‌های نظام مالیاتی مطلوب در نگاه امام علی (ع) امکان بخشودگی مالیاتی افراد ناتوان است. وی در این مورد فرموده است: **”فَإِنْ شَكُوا ثِقَلًا أَوْ عِلَّةً، أَوْ انْقِطَاعَ شِرْبٍ أَوْ بَالَةٍ، أَوْ إِحَالَةَ أَرْضٍ اعْتَمَرَهَا عَرْقٌ، أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ، خَفَّفْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّو أَنْ يَصْلُحَ بِهِ أَمْرُهُمْ؛ وَ لَا يَتَّقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ الْمُؤَنَّةَ عَنْهُمْ، فَإِنَّهُ دُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ، وَ تَزْيِينِ وَ لَاتِيَّتِكَ، مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنِ تَنَائِهِمْ، وَ تَبَجُّجِكَ بِاسْتِغَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ، مُعْتَمِدًا فَضْلَ قُوَّتِهِمْ، بِمَا ذَخَرْتَ عَنْدهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ لَهُمْ، وَ الثَّقَّةَ مِنْهُمْ بِمَا عَوَدَتْهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَ رَفْقِكَ بِهِمْ، فَرُبَّمَا حَدَّثَ مِنَ الْأُمُورِ مَا إِذَا عَوَّلْتَ فِيهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ احْتِمَالُوهُ طَيْبَةً أَنْفُسُهُمْ بِهِ؛ فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ“ (همان)**

پس اگر از سنگینی [خراج] یا آسیبی، یا بریده شدن آبیاری زمینی، یا آب زیاد رسیدنی، یا دگرگونی زمینی که آب بسیار آن را در خود فرو برده است، یا تشنگی به آن زیان رسانیده است، شکایت کردند، به اندازه‌ای در پرداخت خراج بدانان تخفیف می‌دهی که امیدوار شوی بدان وسیله کارشان به سامان می‌رسد؛ و سبک گردانیدن بار هزینه از آنان، به هیچ روی نباید بر تو سنگین آید، زیرا این کار اندوخته‌ای است که در آباد کردن سرزمینت، ستایش نیکوی آنان را هم به سوی خود می‌کشانی، و به گسترش خواهی دادگری در میان ایشان شاد می‌شوی، درحالی‌که با اندوختن آسایشی که از نظر آنان، تو برایشان فراهم کرده‌ای، و اطمینان کردن آنان با عادت دادنشان به دادگری‌ات که در جهت همراهی به ایشان بر سرشان گسترده‌ای، آهنگ آن داشته‌ای که فزون‌تر نیرویشان را به دست آوری؛ پس چه بسا پیشامدی رخ نماید که پس از آن همراهی، از میان برداشتن آن را به ایشان واگذار کنی و آنان با روی خوش آن را بر دوش گیرند؛ زیرا آبادانی توان بر پشت برداشتن هر باری را که بر پشتش بگذاری دارد.

از دید امام علی(ع) بخشودگی‌های مالیاتی می‌تواند نتایج مفید و مثبت زیر را برای حکومت و مالیات‌دهندگان داشته باشد و زبانی که به ظاهر در درآمدهای حکومتی ایجاد می‌شود، جبران خواهد شد:

۱. در نگاه امیرمؤمنان علی(ع) بخشودگی مالیاتی، هزینه‌ای از میان رفته نیست، بلکه همچون سرمایه‌ای ذخیره شده است که به دو صورت بازگشت می‌نماید: موجب رشد انگیزه مالیات‌دهندگان در کار و تلاش بیشتر و رونق اقتصادی افزون‌تر می‌شود؛ و پیوند آنان را با حکومت تقویت می‌کند و روش زمامداری را در دیده آنان می‌آراید و موجب دید مثبت آنان به حکومت می‌شود:

۲. چنین عملی پیوسته در خاطر مالیات‌دهندگان می‌ماند و حکومت را به نیک‌رفتاری می‌شناسند و آن‌را تأیید و تمجید می‌کنند.

۳. چیزی مانند عدالت‌گستری مطلوب نیست، و حکومت با چنین اقدامی، عدالت‌گستری نموده است که چیزی این اندازه با ارزش و موجب خشنودی نیست.

۴. چنین بخشودگی مالیاتی که برای آنان آسایش فراهم کرده است، و عملکرد عدالت‌گرایانه حکومت و همراهی‌ای که با ایشان نموده است، سبب اعتماد و اتکای حکومت به نیرومندی مالیات‌دهندگان می‌شود، بدین معنا که چون آنان قوت بگیرند، با جان و دل حکومت را یاری می‌دهند.

۵. هر حکومتی در معرض گرفتاری قرار دارد، و حکومتی که با مردم خویش به درستی و دادگری رفتار می‌کند، و آسایش و رفاه آنان برایش اصل است، در مواقع گرفتاری از حمایت خالص آنان بهره می‌برد.

۶. قاعده این است که در صورت آبادانی سرزمین و رونق اقتصادی جامعه، حکومت نیز از بهترین پشتوانه برای مالیات بهره‌مند می‌شود؛ و هرچه رشد اقتصادی بیش‌تر باشد، توان حمل برنامه‌های پیشرفت جامعه بیش‌تر می‌گردد.

۲.۳.۳ خراج

یکی دیگر از منابع اصلی درآمد دولت در اقتصاد اسلامی در حکومت امام علی(ع) خراج بوده است. خراج برای افراد، با توجه به میزان درآمد و امکانات آن‌ها متفاوت بود می‌باشد. در زمان رسول خدا (ص) خراج زمین براساس درآمد زراعت تعیین شده بود ولی عمر بن خطاب در دوران خلافتش خراج زمین را براساس مساحت آن قرار داد. علی(ع) روال دریافت خراج را مانند زمان پیامبر بر درآمد تعیین کرد و براساس میزان درآمدی که افراد داشتند، خراج گرفته می‌شد. فیء، زکات و جزیه از دیگر درآمدهای زمان حکومت ایشان بوده است.

خراج به مالی گفته می‌شود که مانند اجاره بر زمین خاصی وضع می‌شود. میزان خراج از نظر شرعی معین نشده است و به نظر امام و مصلحت مسلمین بستگی دارد. خراج، شباهت زیادی به مالیات دارد، زیرا همچون مالیات از طرف دولت برای حفظ نظام اسلامی بر صاحبان زمین‌های خاص وضع می‌شود. خراج جایگاه خاصی در سیاست‌های مالی حکومت علوی داشت. چون میزان خراج با نظر دولت اسلامی تعیین می‌شود، دولت می‌تواند با توجه به شرایط، اهداف سیاسی و مصالح جامعه اسلامی، مبادرت به تنظیم آن نماید. [گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۰، ۱۶۰:۱۹]

امام علی(ع) مهم‌ترین سیاست‌های خود را در نامه خود به مالک اشتر بیان کرده است. این فراز از نامه را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

” وَ تَفَقَّدَ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ؛ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ“ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

” و در کار خراج بررسی کن و چنان بنگر که کار خراج‌گزاران را به سامان رساند، زیرا به سر و سامان رسیدن کار خراج و خراج‌گزاران، به سر و سامان رسیدن دیگران است، و

کار دیگران به سر و سامان نمی‌رسد مگر به وسیله خراج گزاران؛ برای این که مردمان همگی روزی خوارانی هستند بار شده بر خراج و خراج گزاران."

۴.۳ مخارج دولت در اقتصاد اسلامی

۱.۴.۳ تأمین مالی سپاهیان: امام علی (ع) منبع تأمین مالی سپاهیان را "مالیات" معرفی کرده است. گذشته از آن که مالیات در حکومت امام عمده‌ترین منبع درآمد مالی دولت بوده است، می‌توان به این موضوع توجه کرد که نوع منبع تأمین مالی در هر حوزه‌ای تأثیرگذار است، و هر مجموعه انسانی بدانجایی که از آن تأمین مالی می‌گردد، وابستگی می‌یابد. پس درست آن است که نیروهای نظامی که برای حفظ حریم مردمان و پاسداری سرزمین آنان و دفع متجاوزان از آنان به وجود آمده‌اند، به همان مردمان و منبع مالی ایشان وابسته باشند، نه به منابع مالی دیگر تا خود را جدا از مردمان و ناوابسته به آنان تلقی کنند. البته تأمین مالی سپاهیان باید چنان باشد که آنان هیچ دغدغه مالی نداشته باشند و بتوانند پاسدار حریم مردمان به تمام معنا باشند. امیرمؤمنان علی (ع) برای تأمین مالی سپاهیان، سه نقش بیان کرده است: یکی، نیرو گرفتن در جهاد با دشمن (يَقْوُونَ بِهٖ عَلٰى جِهَادٍ عَدُوِّهِمْ)؛ دوم، سامان آوردن کار خود با تکیه بر تأمین مالی (يَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُصَلِّحُهُمْ)؛ سوم، پشتوانه از میان برداشتن نیازشان (يَكُونُ مِنْ وَّرَآءِ حَاجَتِهِمْ). (همان)

۲.۴.۳ عمران و آبادانی کشور: یکی از عوامل ویرانی سرزمین‌ها، نابسامانی اقتصادی است. ویرانی زمین تنها از تنگدستی دارندگان زمین پیش می‌آید؛ و بی‌گمان نابسامانی اقتصادی معلول بی‌تدبیری و سوء مدیریت است، چنان‌که در آموزه‌های امام علی (ع) به صراحت قید شده است: "سوء التَّدْبِيرِ سَبَبُ التَّدْمِيرِ". سوء تدبیر سبب ویرانی است. [غرر الحکم: ۵۵۷۱]

۳.۴.۳ تأمین اجتماعی: در دیدگاه امام علی (ع) محرومین و ضعفا از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و دولت باید این افراد را شناسایی و به آنها رسیدگی کند. امام در بخشی از نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: "ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى، مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ، وَ أَهْلَ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا. وَ أَحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَ قِسْمًا مِنْ غَلَّتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَفْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى. وَ كُلُّ قَدِ اسْتُرْعِيَتْ حَقُّهُ؛ فَلَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ. فَإِنَّكَ لَا تُعَدَّرُ بِتَضْيِيعِكَ النَّافَةَ لِأَحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّمِ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

خدای را! خدای را! [به نظر آر] درباره طبقه ضعیف که هیچ چاره‌ای ندارند؛ از جمله آنان مستمندان و نیازمندان و بینوایان و زمینگیرانند، که هم درخواست‌کننده در این طبقه وجود دارد و هم نیازمندی که روی درخواست کردن ندارد. پس به خاطر خدا حقّ او را که پاسداری از آن را از تو خواسته است درباره اینان پاس دار، و سهمی از بیت‌المال (اموال عمومی) خود را، و سهمی هم از محصولات به‌دست آمده از زمین‌های خالصه دولتی را در هر شهری برای آنان بگذار؛ و بی‌گمان برای افراد دورترشان همان سهمی را باید در نظر بگیری که برای نزدیک‌ترانشان تعیین می‌کنی، و رعایت حقّ هر یک از تو خواسته شده است؛ پس مبدا سرمستی [قدرت] اندیشه تو را از آنان بگرداند و به خود سرگرم سازد. بی‌گمان بهانه تو که برای استوار گردانیدن کارهای بسیار مهم، کارهای کوچک و ناچیز را فروگذاشته‌ای، پذیرفته نمی‌شود.

البتّه ضعفاءی جامعه دارای طبقات مختلفی هستند. مَسَاكِين یا مستمندان کسانی هستند که از همه نظر در تنگنای معیشتی قرار دارند و هیچ آرامشی ندارند؛ و زیر خط مطلق فقر قرار دارند، که لازم است به سرعت به وضع آنان رسیدگی شود. مُحْتَاجِينَ یا نیازمندان افرادی می‌باشند که در مواردی در تنگنای معیشتی قرار دارند و لازم است به آنان رسیدگی شود. أَهْلُ الْبُؤْسَى یا بینوایان گروهی هستند که در سختی به‌سر می‌برند و به دلایلی گرفتاری‌هایی پیدا کرده‌اند و باید به آنان توجه شود؛ مانند خانواده‌های بدسرپرست و نهایتاً الزَّئِمَى یا زمینگیران؛ از کار افتادگان، معلولان و سالخورده‌گان می‌باشند که امکان کار و فعالیت ندارند؛ مانند از کار افتادگان، معلولان، سالخورده‌گان، که لازم است به آنان رسیدگی شود.

برنامه‌ریزی جهت ساماندهی این گروه‌ها، نیازمند برنامه‌ای عدالت‌محور، جامع و توانمند است، و با دستورالعمل‌های موضعی، رفتارهای مقطعی و اقدامات بی‌برنامه نمی‌توان وضع این افراد را به سامان مناسب، یعنی تأمین کافی و مبتنی بر عدالت و شئون انسانی رسانید. حضرت می‌فرماید: پس به خاطر خدا حقّ او را که پاسداری از آن را از تو خواسته است درباره اینان پاس دار، و سهمی از بیت‌المال (اموال عمومی) خود را، و سهمی هم از محصولات به‌دست آمده از زمین‌های خالصه دولتی را در هر شهری برای آنان بگذار.

ساماندهی محرومین جامعه و تأمین کامل آن‌ها، حقّی مسلم برعهده دولت در اقتصاد اسلامی است. بدین لحاظ لازم است منابع مالی آن از خزانه عمومی و درآمدهای ویژه دولتی تأمین گردد.

۵.۳ چارچوب حقوق اقتصاد اسلامی

رفتارهای اقتصادی دولت در یک نظام اقتصادی از سه عامل متأثر است. عامل نخست، اهداف و جهان بینی خاص یک مکتب اقتصادی است. عامل دوم، چارچوب و الزامات حقوق اقتصادی می باشد. عامل سوم، شرائط و عوامل محیطی و پیرامونی است. در این مقاله امکان پرداخت به همه سیاستها نمی باشد اما به لحاظ کارکرد ویژه اقتصادی سیاست های ناشی از حقوق اقتصادی مورد اشاره قرار میگیرد:

۱.۵.۳ ممانعت از احتکار: در عهد مالک‌اشتر ضمن آنکه بر نقش مهم بازرگانان و صنعتگران تأکید و آنان مایه‌های منفعت و پدیدآورندگان وسیله‌های آسایش و راحت دانسته و سود حاصل از تلاش آنان را مایه برپایی بازارها قلمداد می کند، آمده است: « پس درباره بازرگانان و صنعتگران سفارش [مرا] بپذیر، و به بهترین شیوه درباره آنان سفارش کن؛ چه کسی که برجای بود و چه آنکه با مال خود از این سو بدان سو رود، و با دسترنج خود کسب کند، که آنان مایه‌های سودها، و وسیله به دست آمدن درآمدها [و کالاهای مورد نیاز مردم] هستند. و آورنده آن از جاهای دوردست و دشوار، در بیابان و دریا و دشت و کوهسار. و جاهایی که مردم برای موقعیت‌های - دشوارش - در آن جاها به هم نمی پیوندند، و دلیری رفتن بر سر آن جاها را در سر نمی پروراند. این بازرگانان مردمی آرامند و نمی ستیزند، و آشتی جویند و فتنه‌ای نمی انگیزند. و کار آنان را واری کن، چه در آن جا باشند که خود به سر می بری، و چه در گوشه و کنار سرزمین و فرمانداری‌ات». [نهج البلاغه، نامه ۵۳]

۲.۵.۳ کنترل قیمت‌ها (تسعیر): آنچه از فرمایشات امام (ع) درباره کنترل قیمت‌ها برداشت می شود این است که در حکومت حضرت، به طور مستقیم قیمتی را برای کالاها وضع نمی کردند و مطالب ایشان به صورت توصیه‌ای بوده است. همان‌گونه که امام (ع) در عهدنامه مالک اشتر می فرماید: «باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد و با نرخ‌های نه به زیان فروشنده و نه خریدار». [همان]

امام صادق (ع) در جواب سئوالی پیرامون قیمت‌گذاری فرمود: «امیرالمؤمنین (ع) بر کالای کسی قیمت‌گذاری ننمود و لکن به کسی که بیش از قیمت متعارف کالایش را عرضه می کرد، فرمود، آن گونه که مردم می فروشند، بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون رو، مگر

اینکه کالایی که او عرضه می‌کرد مرغوب‌تر از کالایی بود که در بازار عرضه می‌شد». [نظریور، ۱۳۸۰: ۹]

می‌توان نتیجه گرفت که در دیدگاه امام(ع) عرضه و تقاضا تعیین‌کننده ارزش یک کالا است اما برای کنترل قیمت، به افرادی که اجناس را با قیمتی بیش از قیمت معمول عرضه می‌کردند تذکر داده و برای آنها محدودیت‌هایی ایجاد می‌کردند.

۳.۵.۳ کنترل اوزان: وقتی حضرت بر زعفران فروشی که زعفران را وزن می‌کرد و چرب می‌کشید گذشت به او فرمود وزن را به قسط تمام کن. سپس هر میزان که تمایل داری بر آن بیفزا. [الکتانی، ج ۲، ص ۳۴]

از امام صادق(ع) نقل شده است زنی را در حال خرید گوشت از قصاب دید که در هنگام توزین به قصاب گفت مقداری بیفزا. حضرت فرمود: بیفزا همانا این افزودن نعمت را بیشتر می‌کند. [کلینی، ۵: ۱۵۲] این سخن حضرت حاکی از آن است که در معاملات که خرید و فروش بر مبنای توزین است، باید توزین دقیق صورت پذیرد ولی شایسته است فروشنده چیزی بر آن بیفزاید و چرب‌تر بکشد.

البته این شایستگی تنها در صورتی است که افراد کالاهایی را که در ملکیت خود دارند می‌خواهند بفروشند. اما اگر قرار است اموال بیت‌المال را توزیع کنند و یا به فروش برسانند باید کاملاً عدالت را رعایت نمایند و چیزی بر آن اضافه نکنند. به همین جهت از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که حضرت مردی را خواست تا مقدار زعفرانی از بیت‌المال را بین مردم تقسیم نماید. آن فرد در هنگام وزن کردن، مقدار بیشتری وزن می‌کرد. حضرت با چوبدستی به دست او زد و فرمود «همانا وزن یکسان است» [الرزاز الواسطی: ۱۰۲].

از این روایات استفاده می‌شود که اگر انسان می‌خواهد بذل و بخششی داشته باشد باید از مال خودش باشد، نه از بیت‌المال. امیرالمؤمنین(ع) که خود اسوه سخاوت و بخشش بود در تقسیم اموال بیت‌المال ذره‌ای اضافه بر حق فرد به او نمی‌داد و معتقد بود بذل و بخشش در اموال عمومی به هر طریقی که باشد خیانت به بیت‌المال و صاحبان اصلی آن است. و به همین دلیل با برادرش عقیل آن‌گونه برخورد می‌کند.

۴.۵.۳ نظارت بر رعایت حریم بازار و قوانین آن: تعیین مکان و حدود بازار برعهده حکومت است و افراد نمی‌توانند به هیچ‌گونه به حریم بازار تجاوز نمایند. و همین‌طور بازاریان نیز نمی‌توانند بساط خود را در خارج بازار و مکانی که دولت تعیین نموده پهن کنند و یا به احداث بنایی برای فروش کالا بپردازند. به همین جهت است که

امیرالمؤمنین (ع) وقتی بر خانه‌های «بنی البکاء» گذر کردند، فرمودند: این مکان جزء بازار است و دستور دادند که ساکنین آن به جای دیگر منتقل شوند و بعد از این، آن خانه‌ها را ویران نمودند. [نظرپور، ۱۳۸۰: ۱۰]

۶.۵.۳ ممنوعیت ذبح حیوانات مریض و ناقص: تردیدی نیست که از نظر شرع مقدس خوردن گوشت این حیوانات حرمتی ندارد. ولی حضرت به عنوان حاکم جامعه اسلامی این دستورات را صادر کرد تا جامعه در برابر عوارض آلوده کننده خوردن این گوشت‌ها سلامت خود را از دست ندهد. همان‌گونه که وقتی مسلمانان در خیبر از جهت تغذیه با مشکل مواجه شدند و الاغ را ذبح نموده برای طبخ آماده می‌نمودند، پیامبر اکرم (ص) دستور داد، دیگرها را واژگون نمایند. در حالی که خوردن گوشت این حیوان تنها کراهت دارد نه حرمت و حضرت به جهت مصالحی چنین اقدام نمودند. و این مصلحت در روایت امام باقر (ع) آمده که سبب نهی پیامبر (ص) در آن هنگام به جهت استفاده بارکشی از آن بود تا این منفعت از جامعه فوت نشود. [همان: ۱۱]

این ممنوعیت‌ها بدان جهت است که حاکم جامعه اسلامی باید تمام سعی و کوشش خود را مبذول دارد تا آسایش و رفاه بیشتر مردم فراهم آید و تا حد ممکن از بیماری‌ها و بلایا و ناهنجاری‌های عمومی جلوگیری به عمل آید.

۷.۵.۳ ممنوعیت ربا: ربا مطلقاً چه ربای معاملی و چه ربای قرضی حرام است. ولی تشخیص معاملات ربوی از غیر آن در بسیاری از موارد دشوار است. امام علی (ع) می‌فرماید: «در معاملات خود ربا نخورید پس قسم به کسی که دانه‌ها را می‌شکافد و انسان را آفریده همانا ربا در میان این امت مخفی‌تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه در شب ظلمانی است». [نظرپور، ۱۳۸۰: ۱۱]

اگر فروشندگان و خریداران شناخت درستی از احکام شرعی معاملات نداشته باشند در دام ربا گرفتار خواهند آمد. حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «کسی که بدون علم به احکام تجارت کند مستمراً در ربا غوطه‌ور می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۷). حضرت در روایت دیگر بسیار صریح بیان می‌دارد که کسی که بدون آموختن احکام شرعی به تجارت می‌پردازد حتماً به رباخواری مبتلا می‌شود و کسی که ربا می‌خورد وارد آتش خواهد شد. [نهج البلاغه، قصار ۴۴۷] تردیدی نیست گسترش ربا خصوصاً ربای قرضی در بازارها موجب فساد معاملات و گسترش نابرابری‌ها خواهد شد و فرهنگ کسب درآمد از راهی به‌جز کار و تلاش مستقیم اقتصادی را گسترش خواهد داد. و انگیزه کوشش اقتصادی

سودمند را خصوصاً هنگامی که نرخ بهره از نرخ بازدهی سرمایه در جامعه بیشتر باشد، از افراد سلب خواهد کرد.

۸.۵.۳ شفافیت معاملات: حيله و نیرنگ در معامله و نیز جهل نسبت به اطراف معامله موجب بطلان و فساد معامله می‌گردد. امام علی(ع) در خطاب به تاجران مواردی از این امور را توصیه می‌کند و می‌فرماید در صورتی که از این امور مراقبت نمایید، معاملاتی که انجام می‌دهید معاملات صحیح خواهد بود و از حرام دور خواهید ماند. [جعفر مرتضی عاملی: ۵۲]

در روایتی که از پیامبر اکرم(ص) نقل شده حضرت(ص) می‌فرماید: «مخفی نمودن عیب کالا توسط فروشنده، غش و تقلب است و برای مسلمان حلال نیست به برادرش کالایی را بفروشد، مگر اینکه عیش را بازگو نماید و جایز نیست برای غیر فروشنده، در صورتی که عیب را می‌داند آنرا مخفی نماید، هنگامی که خریدار تصمیم خود را برای خرید کالایی بیان می‌دارد و کالا را به آن فرد نشان می‌دهد». [نظریور، ۱۳۸۰: ۱۱]

در روایت دیگری پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «کسی که کالای معیوبی را بفروشد و آنرا اعلام نکند همواره در مقت و سخط الهی خواهد بود و دائماً ملائکه او را لعنت خواهند کرد». [همان]

۹.۵.۳ نظارت و بازرسی بر بازار: رعایت قوانین و مقررات اسلامی در همه ارکان نظام اقتصاد اسلامی امری ضروری است. تضمین این رعایت، نظارت و بازرسی مداوم می‌باشد. برای این امر می‌بایست افرادی شایسته برای نظارت و بازرسی تعیین کرد که هم به احکام اسلام آشنا باشند و هم صلاحیت اخلاقی این امر را داشته باشند تا بتوانند با راهنمایی فروشندگان و خریداران را با احکام اسلامی آشنا سازند.

۴. نتیجه‌گیری

*رفتار اقتصادی امام علی(ع) گفتار، رفتار و سیاست‌های امام علی(ع) در حوزه اقتصاد و معیشت، از ابعاد مهم رویکرد حکومتی و اجتماعی ایشان است و در میان تمامی رهبران و پیشوایان دینی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است زیرا بعد از رسول خدا (ص) تنها امام شیعیان است که مدتی هرچند کوتاه خلیفه و حاکم مسلمین بوده است.

*هرچند در متون تاریخی و روایی، هزاران گزاره در مورد بیان عملکرد اقتصادی ایشان وجود دارد اما حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه بویژه عهد مالک اشتر بهتر می‌تواند محور اساسی و مستند قوی برای دریافت رویکرد امام به اقتصاد باشد.

*با بررسی حکومت امام علی (ع) به عنوان مصداقی کامل از حکومت اسلامی، می‌توان زوایای عملی و اجرائی احکام اسلامی و نیز وظایف مهم اقتصادی یک حکومت را شناسایی کرد.

*ایشان در دوران حکومت کوتاه خود، با استفاده از شواهد و قرائن، احکامی صادر نموده و در امور دنیوی همانند دیگران تصمیم‌هایی اتخاذ کرده‌اند که می‌تواند به عنوان یک الگو و نمونه عملی مقبول، مورد تبعیت واقع شود.

* بررسی عملکرد اقتصادی امام علی از دو جهت قابل بهره‌برداری است:

جهت نخست: با استناد به اعتقاد شیعیان به عصمت امامان معصوم و اینکه ایشان مرتکب خطا نمی‌شوند صورت می‌پذیرد، پس می‌تواند روش زندگی و حکومت‌داری امام، به عنوان مستند فقهی و حجت شرعی برای پیروان مکتب تشیع در نظر گرفته شود.

جهت دوم: فارغ از بحث عصمت، عملکرد اقتصادی امام علی (ع) به عنوان یک زمامدار و حاکم مسلمان که همه مسلمانان در طول تاریخ بر عدالت و پارسائی او متفق القولند، می‌تواند به عنوان یک الگو و نمونه عملی مقبول، مورد استناد و استفاده همه مسلمانان واقع شود.

*در این مقاله تلاش شد برای اثبات فرضیه اصلی تحقیق حاضر که بر امکان استخراج الگوی موفق برای اقتصاد اسلامی از منظومه فکری و رفتاری امام علی (ع) در حوزه اقتصاد و معیشت، عملکرد اقتصادی ایشان چه بصورت فردی و چه به عنوان حاکم اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

*از بررسی دیدگاه‌ها، نظرها، رفتارهای شخصی و حکومتی ایشان دانستیم؛ حکومت امام علی (ع) به عنوان یک حکومت موفق در تاریخ طولانی بشر، می‌تواند راهنما و راه‌گشای مردم به‌خصوص کسانی که بر جایگاه‌های حکومتی کشور تکیه زده‌اند، باشد.

*اصرار و تأکید مداوم ایشان بر توزیع عادلانه درآمد، ثروت و امکانات اجتماعی، رعایت عادلانه و مجدانانه قوانین و مقررات و در نهایت تکریم انسان‌ها از ویژگی‌های بارز حکومت امام علی (ع) است.

پی‌نوشت‌ها

(۱) **یَبُئِعُ**: نام منطقه‌ای است در ۱۶۵ کیلومتری غرب مدینه؛ شهری بین مکه و مدینه از بلاد بنی حمزه در ساحل دریای سرخ و آن را به سبب چشمه‌های فراوانش به این نام خوانده‌اند. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۵۸) یبئع قلعه‌ای است که در آن، آب روان و مزرعه بسیار وجود داشته و از فضای پردرخت و نخلستان‌ها و آب‌های گوارای آن استفاده می‌کردند. اکنون بندر بزرگی است و نه منزل از مدینه به طرف مکه فاصله دارد. این منطقه به دارا بودن آب زیرزمینی بسیار و کیفیت خوب برای زراعت و درخت‌کاری و داشتن زمین مناسب برای کشت و کار و باغ‌داری، معروف بوده است. ابن شهر آشوب تعداد چاه‌های امیرالمؤمنین را در یبئع بالغ بر یکصد حلقه ذکر نموده است. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۲) البته برخی تعداد چشمه‌های آن را تا ۱۷۰ حلقه ذکر کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۲)

پس از وفات امام منطقه یبئع تحت اختیار اولاد امام حسن (ع) قرار گرفت. نام یبئع در کتب تاریخ، سیره و جغرافیا با نام امام علی (ع) عجین شده است، چنان‌که این شهر در هیچ کتابی بی نام علی معرفی نشده است. درباره چگونگی تسلط امام بر این منطقه روایات مختلفی رسیده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «در زمانی که رسول خدا (ص) اراضی فیء را تقسیم نمود، زمینی هم نصیب علی (ع) گشت، او در این زمین چاهی حفر کرد که آب از درون آن مانند گردن شتر می‌جوشید، و به همین مناسبت نام یبئع - به معنای جوشیدن آب از زمین - بر آن نهاد.»

ابن شبه می‌گوید: «هنگامی که رسول خدا (ص) یبئع را گرفت، آن را به «کشد بن مالک جهنی» اقطاع نمود، کشد گفت: یا رسول الله من در حال پیری هستم و لکن آن را به برادر زاده‌ام اقطاع کنید. پس پیامبر به او اقطاع کرد، پس از آن، عبدالرحمن بن سعد بن زراره انصاری آن را به ۳۰ هزار درهم از او خرید و به آنجا رفت ولی وی در آن جا با بادهای شدید و سختی‌های فراوان مواجه گردیده و قصد ترک آن را نمود. و به هنگام بازگشت در نزدیکی یبئع با علی بن ابی طالب رضی الله عنه مواجه گردید [علی (ع) از او] پرسید: از کجا می‌آیی؟ جواب داد: از یبئع می‌آیم و از آن بیزار شده‌ام. [امام سؤال کرد] آیا قصد فروشش را نداری؟ من آن را به قیمت خرید، خریدم، گفت: مال تو باشد، پس از آن [امام (ع)] به آنجا رفت» [ابن شَبَّه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۹].

وی در روایت دیگری از عمار بن یاسر نقل می‌کند: «پیامبر اکرم (ص) «ذی العشیره» را به امام علی (ع) اقطاع نمود، سپس عمر پس از تصدی خلافت قطعه‌ای را به او اقطاع نمود علی (ع) قطعه دیگری خرید و به آنها اضافه کرد و لذا اموال علی (ع) در یبئع از چشمه‌های متفرقه‌ای تشکیل می‌گردید» [همان].

در کتاب معجم البلدان نیز در روایتی از امام صادق آمده است که قسمتی از ینبع را عمر بن الخطاب به امام علی(ع) اقطاع نمود و خود ایشان نیز بخش دیگری خرید و به آن اضافه نمود[معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۵۰].

ملاحظه می‌شود که در این روایات سه وجه برای نحوه تسلط امام(ع) ذکر شده است و با توجه به وسعت املاک آن حضرت در ینبع، می‌توان مفاد روایت عمار یاسر مبنی بر تملک هر بخش از این سرزمین به یکی از سه وجه مذکور را پذیرفت.

گویا امام علی(ع) از سالها پیش و از زمان رسول خدا (ص) این سرزمین را به خوبی می‌شناخت چنانکه عمار یاسر می‌گوید: «من و علی(ع) در غزوه ذی‌العشیره همراه بودیم، هنگامی که رسول خدا (ص) در آنجا فرود آمد و اقامت گزید گروهی از مردم بنی مدلج را دیدیم که در نخلستان یکی از چشمه‌های آن کار می‌کردند. علی(ع) به من گفت: ای ابوالیقظان آیا می‌خواهی برویم ببینیم که اینان چگونه کاری می‌کنند؟ بعد، نزدیک آنان رفته و مدتی به نحوه کارکردن آنان نگاه کردیم تا اینکه خواب بر ما چیره شد، پس من و علی(ع) رفتیم و در میان درختان نخل کوچک بر روی خاک خوابیدیم...».

ابن شبه با نقل روایتی می‌نویسد: «لما اشرف علی رضی الله عنه علی ینبع فنظر إلی جبالها قال: لقد وضعت علی نقی من الماء عظیم».

هنگامی که علی رضی الله عنه بر ینبع اشراف پیدا نمود و به کوه‌های آن نگاه کرد گفت: به تحقیق که تو بر منبع عظیمی از آب گوارا قرار گرفته‌ای. [ابن شبه، ج ۱: ۲۲۱].

از تاریخ شروع اقامت امام(ع) در ینبع اطلاع دقیقی در دست نیست ولی از شواهد تاریخی چنین بدست می‌آید که این امر در اوایل دوره خلفا اتفاق افتاده و تا نزدیکی زمان خلافت آن حضرت تداوم یافته است. در جریان شورش‌های مردمی در اواخر دوره عثمان، امام هنوز در ینبع سکونت داشت وقتی که امام برای اصلاح میان مردم به مدینه آمد، مورد اعتراض خلیفه قرار گرفت و دوباره به ینبع بازگشت پس از مدتی با شعله‌ور شدن آتش فتنه، عثمان از امام(ع) خواست تا برای خاموش کردن آن به مدینه بیاید ولی با گذشت مدت کوتاهی وقتی اشتیاق شدید مردم به خلافت امام(ع) را مشاهده کرد؛ از او خواست تا برای آرامش مردم مجدداً به ینبع باز گردد و این عمل را چندین بار دیگر هم تکرار نمود. [موسوعه الامام علی(ع)، ج ۳: ۲۶۴].

ابن شهر آشوب تعداد چاه‌های امیر المؤمنین(ع) در ینبع را بالغ بر یکصد حلقه ذکر نموده است. میزان محصول این املاک در زمان حیات امام(ع) به روایت واقدی افزون بر هزار وسق (۶۰ من) بوده است [ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۲]. درباره ارزش مجموعه این املاک اطلاعات دقیقی در دست نیست اما از روایتی که درباره عین ابی نیزر وارد شده است تا حدودی می‌توان به ارزش بسیار بالای آنها پی برد. این روایت حاکی است که معاویه ۲۰۰ هزار

دینار برای خرید عین ابی نیزر به امام حسین (ع) پیشنهاد کرد ولی امام آن مبلغ را نپذیرفت [الکامل للمبرد، ج ۳، ص ۱۱۲۸].

۲) زمین‌هایی در عین ناقه، زمین‌های «بیره» از ناحیه «علاء»، املاکی در عین سکر، در «حره الرجلاء» از ناحیه «شعب زید» وادی ای به نام «الأحمر»، در حره الرجلاء وادی «البیضاء»، «رعیه» و «الأسحن» و «القصبیه» در ناحیه فدک و چاه‌های «ذات کمانو» «ذوات العشراء» و «قعین» و «معید» و «رعوان»، و چاه‌هایی در کناره‌های راه مدینه - مکه که به بئر علی مشهور است و تعداد آن‌ها را ۲۳ حلقه ذکر نموده‌اند [ابن شبه، ج ۱، ص ۲۳۵]

۱ برای اطلاع از نحوه تصرف و فعالیت‌های امام (ع) در یبوع، به پی نوشت ۱ مراجعه شود.

ر ک به پی نوشت ۲ ۲

۳ واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه و للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل «انفال، ۴۱».

ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل «الحشر، ۷».

۴ «شریف رضی» و دیگران شأن صدور این سخن را چنین آورده‌اند: امام (ع) در بصره به عبادت «علاء بن زیاد حارثی» که از یارانش بود رفت و چون چشمش به خانه وسیع او افتاد فرمود: «مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا، وَ أَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجُ؟ وَ بَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ: تَقْرَى فِيهَا الضَّيْفَ، وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّجْمَ، وَ تُطْلِعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطْلِعَهَا، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ.» (این خانه فراخ در دنیا به چه کارت آید که در آخرت به چنین خانه‌ای نیازمندتری. آری، مگر این که بدین وسیله بخواهی به آخرت برسی یعنی مهمان کنی و صله رحم انجام دهی و حقوقی را که بر گردن داری بیرون کنی و به مستحقانش رسانی که در این صورت با این خانه به آخرت نایل شده‌ای). «علاء» گفت: «ای امیرمؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می‌کنم.» فرمود: «چرا؟» گفت: «جامه‌ای پشمین به تن کرده و از دنیا کناره گرفته است.» امام فرمود: «او را نزد من آرید.» چون نزد وی آمد بدو گفت: «يَا عُدَيَّ نَفْسِي! لَقَدْ اسْتَهَامَ بَكَ الْخَيْثُ! أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَ لَدَكَ! أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ، وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا؟ أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ!» (ای دشمنک جان خود! شیطان سرگشته‌ات کرده و از راهت به در برده است. بر زن و فرزندان رحم نمی‌کنی و چنین می‌پنداری که خدا آن‌چه را پاکیزه است، بر تو روا کرده، ولی ناخشنود است که از آن‌ها استفاده کنی؟ تو نزد خدا خوار مایه‌تر از آنی که می‌پنداری!)

«عاصم» گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! هَذَا أَنْتَ فِي خُشُونَةٍ مَلْبَسِكَ وَ جُشُونَةٍ مَأْكَلِكَ.» (ای امیرمؤمنان! تو خود با این پوشاک خشن و آن خوراک ناگوار به سر می‌بری). فرمود: «وَيَحْكُ

إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أَيْمَةَ الْعَدْلِ...» (وای بر تو! من همانند تو نیستم که خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است...). [ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۹]

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه فیض الاسلام، ۱۳۵۱

دلشاد تهرانی، مصطفی، دلالتِ دولت، آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک‌اکاشتر، ۱۳۸۹، انتشارات دریا

دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، جلد اول، ۱۳۸۳، انتشارات دریا

نظرپور، محمد تقی، کتاب نقد، شماره ۱۹، ۱۳۸۰، مقاله «امام علی (ع)، حکومت و بازار»

مقاله سیره اقتصادی امام علی (ع)، برگرفته از سایت www.tebyan-ardebil.ir

گیلک حکیم‌آبادی، محمد تقی، مقاله امام علی (ع)، دولت و سیاست‌های اقتصادی، مجله کتاب نقد تابستان ۱۳۸۰ - شماره ۱۹

۸. ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۱۹

۹. کلینی، فروع کافی، ج ۷.

۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ط. الثانية، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.

۱۱. السهمودی، وفاء الوفاء فی اخبار دار المصطفی، ج ۱

۱۲. البخاری، صحیح البخاری، ج ۳.

۱۳. السیوطی، تفسیر الدرّ المنثور، ج ۵

۱۴. ابن شعبه، تنبیه الخواطر، ج ۲

۱۵. ابی هلال الثقفی، الغارات، ج ۱

۱۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه (۱۳۷۸ق)، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیمی، القاهرة: دار احیاء الکتب العربیه

۱۷. الشریف الرضی (۱۳۸۷ق)، نهج البلاغه، ضبط نصّه و ابتکر فهارسه العلمیه صبحی الصالح، بیروت، بی نا

۱۸. محمدی ری شهری (۱۳۸۴)، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث

۱۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، ط. الثانية، قم، المطبعة العلمیه، ۱۴۰۴.

١٣٢ روش‌شناسی اقتصاد اسلامی براساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع)

٢٠) ياقوت حموي، شهاب‌الدين ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٣٩٩.

٢١) المبرد، الكامل في اللغة و الادب و التصريف، ١٢٩٦هـ ق، مصر

٢٢) جعفر مرتضى عاملي، السوق في ظل الدوله الاسلاميه، ١٤٠٨هـ ق، الدار الإسلاميه، بيروت

٢٣) الكتاني، عبدالحى، الترتيب الاداريه، دارالكتاب العربي، بيروت، بي تا

٢٤) الرزاز الواسطي، اسلم بن سهل، تاريخ واسط، عالم الكتب، بيروت، ١٩٨٦

٢٥) غرر الحكم و درر الحكم، ١٤٢٠هـ ق، قم، دفتر انتشارات اسلامي.